مجلهٔ فکاهیِ

ملانصرالدین

سال دوم
شمارهٔ هفتم
خرداد ماه ۹۹
شمارهٔ سری:
۱۹

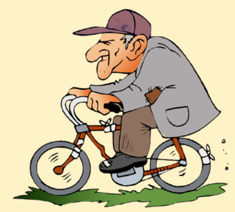




مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می رسد.

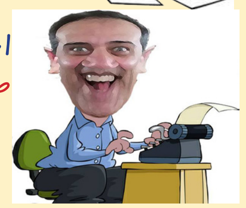

سر و ته مقاله | احمد آقای قاطی پاتی
صفحهٔ سوم


کارتون‌های خارجی
صفحهٔ دوازده


اخبار داخله
صفحهٔ چهار


نامه‌های جنجالی |
صفحهٔ چهارده


هر ماه با دکتر الاغ خرنژاد |
صفحهٔ شش


اخبار خارجه
صفحهٔ شانزدهم


کارتون‌های ملانصرالدین
صفحهٔ هشت


کارتون‌های ملانصرالدین
صفحهٔ نوزده


گفتگوی ماه | صفا گزارش زاده
صفحهٔ ده



سر و ته مقاله

صفرها را ورداریـن، خیلی هم خوبه!

کـی گفتـه اگـه صفرهـای پـول را بـردارن، هیـچ فایـده نـداره؟ هـا؟ کـی گفتـه!؟ خـودش بیـاد جلـو ببینـم؟ بلـد نیسـتی، حـرف نـزن! بـذار دولـت کارش را بکنـه!

مثـلا خـود مـن! اولـش کـه کوچولـو بـودم، فقـط یـک صفـر بـودم. اینقـذه اوضـاع زندگیـم خـوب بـود کـه نگـو! راس یـه صفـر تـپ مپـل، می‌خـوردم و بـازی می‌کـردم و خیـر شـیکمم درس می‌خونـدم. ظهـر کـه از مدرسـه شـلیک می‌شـدم، بـا جیـغ شـیش ریشـتری مـی‌زدم بیـرون، می‌اومـدم خونـه. مامـان خـدا بیامـرزم، یـه کاسـه تیلیـت میذاشـتم جلـوم، بـا چهـار پـره سـبزی خـوردن. همیـن!

بعـد هـم کـه عیـن شـمر، دمپایـی بـه دسـت، کنـارم می‌خوابیـد، وقتـی خیالـم راحـت می‌شـد کـه خوابیـده، در می‌رفتـم، فـرار می‌کـردم بـه کوچـه و کلـی بـازی بـا رفقـا می‌کـردم. دوران زیبـای تـک صفـری!

بعـدش، هـی صفرهـای زندگیـم زیـاد شـد. اول از همـه، صفرهـای درس، یکـی پـس از دیگـری و درجـا زدن در ایـن کلاس و آن کلاس... بعـدش بـرو سـربازی بـا اون کلـهٔ نمـرهٔ صفـر و دو سـال صفـر کامـل! از سـربازی اومـدم کـه صفـر بعـدی از راه رسـید: همیـن سـکینهٔ ننـه مـرده کـه اون موقـع، انـدازهٔ یـک صفـر گنـده بـود، بـا کلـه‌ای کـه در حـد یـک صفـر مغـز داشـت. حـالا همـون صفـر را هـم نـداره.

در کار و بـار زندگـی، صفـر از پـی صفـرا! هـی بـرو سـر ایـن کار، بـا پیشـرفت صفـر! بعـد بـرو سـر کار دیگـه، بـا حقـوق و مواجـبِ نزدیـک بـه صفـر...

می‌دونـی الان کـه ایـن جـام و دارم ایـن آت و آشـغال‌ها را براتـون می‌نویسـم، چنـد تـا صفـر دارم؟ فقـط خـدا می‌تونـه بشـمره.

حـالا فکـر کـن: یـک دولـت کریمـه از راه برسـه، همـهٔ ایـن صفرهـا را بـا هـم پـاک کنـه. بشـم همـون صفـر تپـل مپـل دوران بچگـی..! بـرم بـا رفقـا بـازی... از همـه مهمتـر، ایـن سـکینهٔ ورپریـده، یهـو محـو بشـه.

خدایا یعنی می‌شه؟

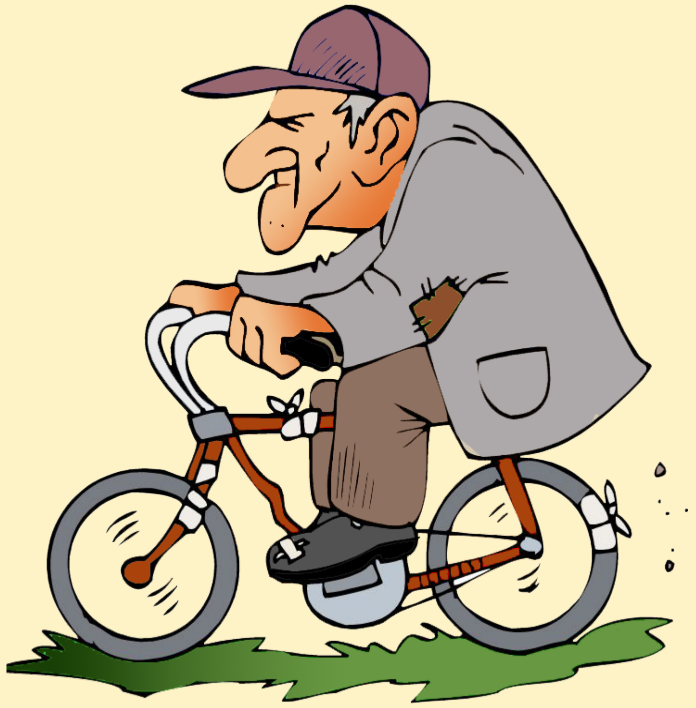
حسـن جـون، قربـون اون کلیـدت کـه آخـرش هیـچ قفلـی را بـاز نکـرد، بیـا و صفرهـای منـو هـم پـاک کـن! مـن کـه اقـلا یـک میلیـون صفـر دارم.

کمـی احساسـاتی شـدم، امـا دلیـل نمی‌شـه کـه هنـوز از دسـت اون حضراتـی کـه می‌گـن: حـذف صفـر هیـچ فایـده‌ای نـداره، عصبانـی نباشـم.

بـرو عامـو ببینـم! حـذف صفـر خیلـی هـم خوبـه! بذاریـن ایـن حسـن آقـا کارش را بکنـه. حـذف کـن، حسـن جـون! حـذف کـن! صـدای هـر کـس هـم کـه در اومـد بفرسـتش پیـش خـودم، بـا زبـون آدمیـزاد حالیـش کنـم، چـه خبـره..!

حذف کن!

جای انگشت: احمد آقای قاطی پاتی





اخبار داخله

یا مرگ یا کرونا..!

عده‌ای از دست اندرکاران فوتبال اعلام کردند که خواستار برگزاری لیگ برتر به هر قیمتی هستند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، عده‌ای از دست اندرکاران فوتبال تاکید کردند که برای اثبات روحیهٔ مبارزه‌جویی خود، می‌خواهند با سلاح فوتبال به نبرد کرونا بروند.

یکی از این کارشناسان دل سوختهٔ فوتبال در گفتگو با خبرنگار ما تاکید کرد: «یادتون رفت چطوری در دوران جنگ می‌رفتیم روی مین، می‌جنگیدیم و از مبارزه دست نکشیدیم تا صدام یزید کافر را شکست دادیم. حالا هم باید با همین روحیهٔ ورزشکاری، لیگ برتر را ادامه دهیم و این بار با سلاح ایثار و شهادت‌طلبی کرونا را شکست دهیم.»

خبرنگار ما پرسید: «ببینم شما جبهه بودید؟» طرف گفت: «نه!» خبرنگار ما باز پرسید: «حالا اسمتون چیه؟ یارو گفت: «چم چاره! به تو چه! می‌خوای بعد از این سخنان کوبنده، منو تحویل وزارت اطلاعات بدی!»

نفر بعد به خبرنگارمان گفت: «In any way، ما باید به فوتبال ادامه بدیم تا نابودی کرونا!» خبرنگار ما پرسید: «شما چطوری In any way می‌خوای با فوتبال، کرونا را شکست بدی؟» یارو گفت: «ببین! وقتی تو فوتبال بازی می‌کنی، هواست پرت می‌شه و یهوکی می‌بینی یارو رفت، یعنی کرونا!» خبرنگار ما پرسید: می‌شه اسمتون رو بدونم!؟» یارو گفت: «کم کاره! تو می‌خوای منو تحویل Ministry of...» خبرنگار ما سخنش را برید: «فهمیدم فهمیدم! داری زور می‌زنی اسم انگلیسی وزارت اطلاعات رو بگی...»

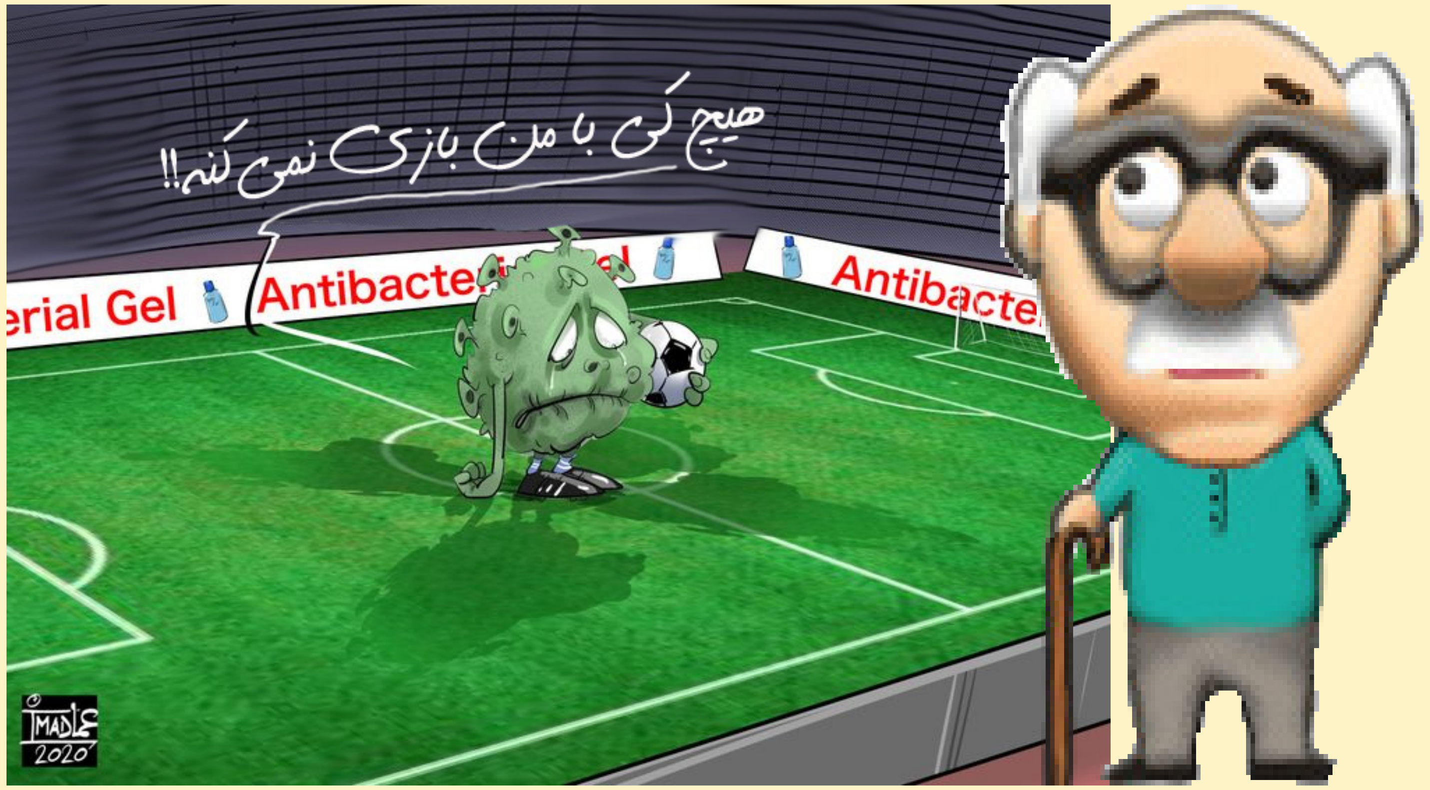
یکی از این عاشقان فوتبال که خبرنگار ما اصلا خودش اسمش را نپرسید، جلو آمد و گفت: «ببین داداش! فوتبال نون زن و بچه‌مه! می‌فهمی!؟ از کجا بیاریم بخوریم؟ لیگ راه بیفته، من هم بوق می‌زنم وسط تماشاچیا، دوزار بذارن کف دستم. کار دیگه که ندارم. همینو می‌خواستی بدونی! حالا که دیگه فهمیدی برو دیگه! ده برو ده! هی بر و بر داره نیگا می‌کنه! لابد می‌خوای اسمم رو بپرسی...»

اکنون خبرنگار ما در حال نوشتن مقاله‌ای دربارهٔ لزوم اعطای جایزهٔ نوبل صداقت، به این یکی آخریه است. آره والله! هر چی می‌گه، اقلا راستش را می‌گه!

نشست فراموشی زلزله در تهران برگزار شد

نشستی برای بررسی مجدد و بحث و غرغر مجدد و سپس، فراموشی زلزلهٔ تهران برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در حالی که به سبب ماه رمضان، هیچ گونه میوه، شیرینی و حتی چای هم ندادند، کارشناسان، با قیافهٔ حق به





جانب دربارهٔ خطر «گسل بی‌ناموس مشاء- فشم» با هم به شدت بحث کردند. در این بحث شدید، جملاتی مانند «همان طور که در مقالهٔ چند سال پیش خودم عرض کردم» و کلماتی مانند «متاسفانه»، مثل نقل و نبات روی سر حضار ریخته شد و همه به این نتیجه رسیدند که خودشان هیچ تقصیری ندارند.

این دستاورد بزرگ که هیچ کدام از مدیران و کارشناسان در شکل‌گیری این وضعیت «یعنی بستن موضوع زلزله به ***» بزرگترین دستاورد این نشست بود. در نهایت، همانند گذشته، شهرداری تهران، مقصر اصلی این وضع شناخته شد. این نهاد هم ضمن مقصر دانستن کلی نهاد دیگر، پرونده را همان جایی بست که بقیه هم بسته بودند.

به این ترتیب، پیامدهای پیش لرزهٔ زلزلهٔ «اسمشو نبر تهران» (همونی که قراره بیاد و هنوز نیومده) به پایان رسید و پروندهٔ زمین‌لرزهٔ تهران تا لرزش بعدی، به بایگانی سپرده شد.

امیدواریم که اولا زمین‌لرزهٔ بعدی، از همین خفیف‌ها باشه و امکان برگزاری نشستی از این نوع بعد از آن باشد و دوم، این گونه جلسات در ماه رمضان برگزار نشود و یا بذارن بعد از افطار... اقلا چیزی بدن بخوریم!

زنگنه، نمایندگان را برای شمردن موی کف دست خود دعوت کرد

وزیر نفت اعلام کرد: همیشه خوش‌حال می‌شود پاسخ پرسش‌های نمایندگان عزیز را بدهم.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، زنگنه اعلام کرد: «در این شرایط که هم من و هم نمایندگان عزیزتر از جانم، بی‌کار درگوشهٔ خانه‌ها ننشسته‌ایم. نه من نفت صادر می‌کنم و نه آن‌ها دیگر، جایی در مجلس دارند، آمادگی کامل دارم که سئوالات آن‌ها را جوابگو باشم. آن‌ها هم می‌توانند مرا استیضاح کنند. هم فال است و هم تماشا!"



و در پاسخ به پرسش خبرنگار ما دربارهٔ نوع پرسش‌های نمایندگان گفت: «شر و ور! می‌گن چرا نفت صادر نمی‌کنی؟ هم آن‌ها می‌دانند و هم من، همان جوابی را می‌دهم که آن‌ها می‌دانند. وقتی نمی‌توانیم صادر کنیم، جوابش معلوم است. من دستم را می‌برم وسط آن‌ها. آن‌ها هم می‌توانند موهای وسطش را بشمارند و بکنند.»

ربیعی: گزینه‌ها روی میز است، خودمان هم می‌رویم زیر میز!

سخنگوی دولت اعلام کرد: در صورت هرگونه اقدامی از سوی آمریکایی‌ها ضد نفتکش‌های ایرانی در اقیانوس اطلس، همهٔ گزینه‌ها روی میز است.



به گزارش خبرنگار مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین، علی ربیعی تاکید کرد: اگر آمریکا اقدامی ضد نفتکش‌هایمان کرد، همهٔ گزینه‌ها روی میز است. خودمان هم می‌رویم زیر میز. سپاه و ارتش می‌دانند و آمریکایی‌ها!

هر ماه با:

دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچه افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

دربارهٔ رویدادهای ماه، باز هم مزاحم جناب دکتر الاغ خرنژاد، فوق تخصص در حوزه‌های مختلف انسان‌شناسی شده‌ایم. سلام قربان، به نظر شما، بیماری کرونا چه تحولاتی را برای جوامع انسانی در پی داشته است؟

- فواید زیادی داشته... یکیش اینه که فهمیدین چه آدم‌های خل وضعی در حال حکومت بر جهان هستند. مثلا دونالد ترامپ، در حال بلعیدنِ روزانهٔ هیدروکسی کلوروکین، یا همان داروی ضد مالاریاست. مردک ابله! نه به عنوان دارو، بلکه به عنوان واکسن! می‌خوره تا کرونا نگیره. بعد همین ابله، می‌خواهد داروی ضد کرونا بسازه و به مردم بدبختی بده که روزانه بر اثر ابتلا به کرونا در حال مردن هستند. حالا اگر کرونا نبود، کی می‌فهمید این موجود چقدر احمق تشریف داره؟ با کرونا نمی‌شه شوخی کرد. وقتی کرونا نبود، وسط چند هزار آدم از خودت احمق‌تر می‌ایستادی و هر چه دلت می‌خواست می‌گفتی. حالا جرات داری، همین‌ها را به کرونا بگو! با لبخند عاقل اندر سفیه، تو را می‌فرستد ته قبر... اگر ترامپ پرستش رب النوع هیدروکسی کلوروکین را در آمریکا باب کند، من یکی تعجب نمی‌کنم. چون او به این دارو ایمان مذهبی یافته است.

• در بازار نفت دعواست. قیمت نفت پایین کشیده شد و...

- و دونالد ترامپ، گوشی را برداشت و پشت تلفن سر محمد بن سلمان داد کشید مردک گوساله..! اولا من به این گوساله گفتن‌های ترامپ اعتراض دارم. انجمن گاوان هم بیانیهٔ شدیداللحنی ضد ترامپ صادر کرد و از او خواست که با نمایندگان گاوان مناظره کند. برای ترغیب او به این مناظره، ده تا آوانس هم به او می‌دهد. ترامپ چه حقی داره که به محمد بن سلمان می‌گه : گوساله..!

• راست می‌گین دکترا! من اصلا این کار ترامپ را تائید نمی‌کنم. فقط خواستم بپرسم: نفت صخره‌ای نابود شد! ؟

- جوک می‌گی!؟ من خر می‌فهمم که نفت صخره‌ای اصلا مال دوره‌ای نیست که دنیا روی دریایی از نفت نشسته. یارو نه فقط شرکت‌های نفت صخره‌ای، بلکه کل دنیا را فریب داده که کار خودش را پیش ببره. خدایا، من الان خودمو می‌کشم، چرا انسان را اشرف مخلوقات کردی؟ آخه این چی داره؟ یارو سه ساله که رئیس جمهوره، تا حالا هر دروغی که گفته میلیون‌ها نفر از این اشرف مخلوقاتت حرفاش را باور کردن و منی که مثلا خرم، می‌فهمم نفت صخره‌ای اصلا مال این دوره نیست. معدنیه برای نسل‌های آینده... وقتی دیگه نفتی نیست. مردک پدرسوخته، این محمد بن سلمان ابله را گول زد و از طریق اون، کلی از نفت‌های صخره‌ای نامرغوب و پر هزینهٔ کشورش را به دنیا فروخت و تازه پر رو پر رو، قصد داشت، جای عربستان را در صادرات نفت بگیره. حالا این آدم شده اشرف مخلوقات... ای خدا!!

• جناب دکترا! من درک می‌کنم که شما الان خیلی عصبانی هستید. اجازه بدین موضوع را عوض کنم.

- دیگه نه اسم ترامپ را میاری، نه محمد بن سلمان و نه کرونا را... فهمیدی!؟

• بله! بله! فهمیدم! چین چطوره؟

- چی بگم! دربارهٔ چین هم بخوایم حرف بزنیم پای این مرتیکه وسطه! اما باز هم بهتره... حکایت چین، حکایت اون برف پارو کنیه که در روزی برفی برای پارو کردن برف به محله‌ای اشرافی رفت. خب! صبح بود و اعیون‌ها همه خواب! بی‌چاره کسی را پیدا نکرد، جز یک پیرزن که با حالتی شاعرانه به برف‌های تلنبار شده در برابر خونه‌اش نگاه می‌کرد. مرد فریاد زد:

خانم نمی‌خوای برف‌ها را پارو کنم؟ پیرزن جواب داد: نه نه! خیلی قشنگه! مرد بی‌چاره که داشت یخ می‌زد و از این حالت رومانتیک آن پیرزن هم حرصش گرفته بود، باز پرسید: نمی‌خوای باز هم برف برات بیارم این جا بریزم، قشنگ‌تر بشه؟

• جوک بامزه‌ای بود! اما چه ربطی به سیاست چین داشت...

- ربطش را داشتم می‌گفتم. ربطش اینه که چین در هر حال دنبال پول درآوردنه. از کرونا! از خفاش! از صدور انقلاب! از پس گرفتن انقلاب! دوباره فروختنش به آفریقایی‌های انقلاب ندیدهٔ کودتا زده! حالا هم کرونا یک انقلاب تپل در دنیا درست کرده، چین هم می‌خواد این یکی انقلاب را هم به موجی تبدیل کنه و روش سوار بشه.



• چقدر ممکنه موفق بشه؟

- من فهمیدم تو می‌خوای من اسم این نکبت را ببرم و به ریشم بخندی! اما بهت بگم، ترامپ به تنهایی ثروت عظیمه برای روسیه و چین و حتی ایران!

• حتی ایران!

- بله! حتی ایران! این مردک احمق، هنر بزرگی داره در افزایش هزینه... سیاستش اینه که هزینه را بالا می‌برم و بعد، از هر طرف دهنم را باز کنم سود می‌برم. اما متوجه نیست که هزینه‌های درست شده، خیلی بزرگتر از معدهٔ کوچیک اونه. البته کوچیک در مقیاس هزینه، چون فکر نمی‌کنم در همهٔ کائنات معده‌ای به بزرگی معندهٔ ترامپ اصلا وجود داشته باشه.

• من اصلا متوجه نشدم. یعنی دارین می‌گین چین اصلا کار خاصی نمی‌کنه. فقط نشسته تا ترامپ گند بزنه..!

- خیلی عجیبه! تو آدمی؟ اما چه خوب فهمیدی؟ بله! نه چین کار خاصی می‌کنه، نه روسیه و نه ایران...

• اما ایرانی‌ها مشکلات زیادی دارن؟

- بعله! حق با شماست. ایرانی‌ها کارخانه مشکل تراشی برای خودشون هستن. حکایتشون، حکایت همون کسیه که نصف شبی به قبرستون می‌ره و روی پاچهٔ شلوارش میخ می‌کوبه و بعد فریاد می‌زنه که جن‌ها منو گرفته. هر کاری که تا حالا می‌کردن چند برابر هزینه داشته و معمولا هم به جایی نمی‌رسه. اصلا شماها آدم‌های دو پا کارتون اینه که از وسط نجاست خودتون نخود و لوبیا پیدا کنین. ای خاک بر سرتون! اصلا نمی‌تونین یه کار را تمیز انجام بدین. تا حالا هر ابتکاری کردین، قبلش هزار جور توش ریدین تا آخرش برای هزار و یکمین بار فهمیدین: عه! اصلا از اولش من باید این کار را می‌کردم. بس که عجولین!

• ولی باز هم جای شکرش باقیه که ایرانی‌ها فهمیدن...

- ایرانی‌ها هیچی نفهمیدن! قبلش سربالایی رفتن و حالا خسته شدن، افتادن تو سر پایینی و دارن حال می‌کنن، همین! تازه فهمیدن چه حالی می‌ده که طرف مقابل خراب می‌کنه و تو فقط بشینی و تماشا می‌کنی و استفاده‌اش را می‌بری...

• چه استفاده‌ای!؟

- استفادهٔ قدیس شدن!

• قدیس شدن!!؟

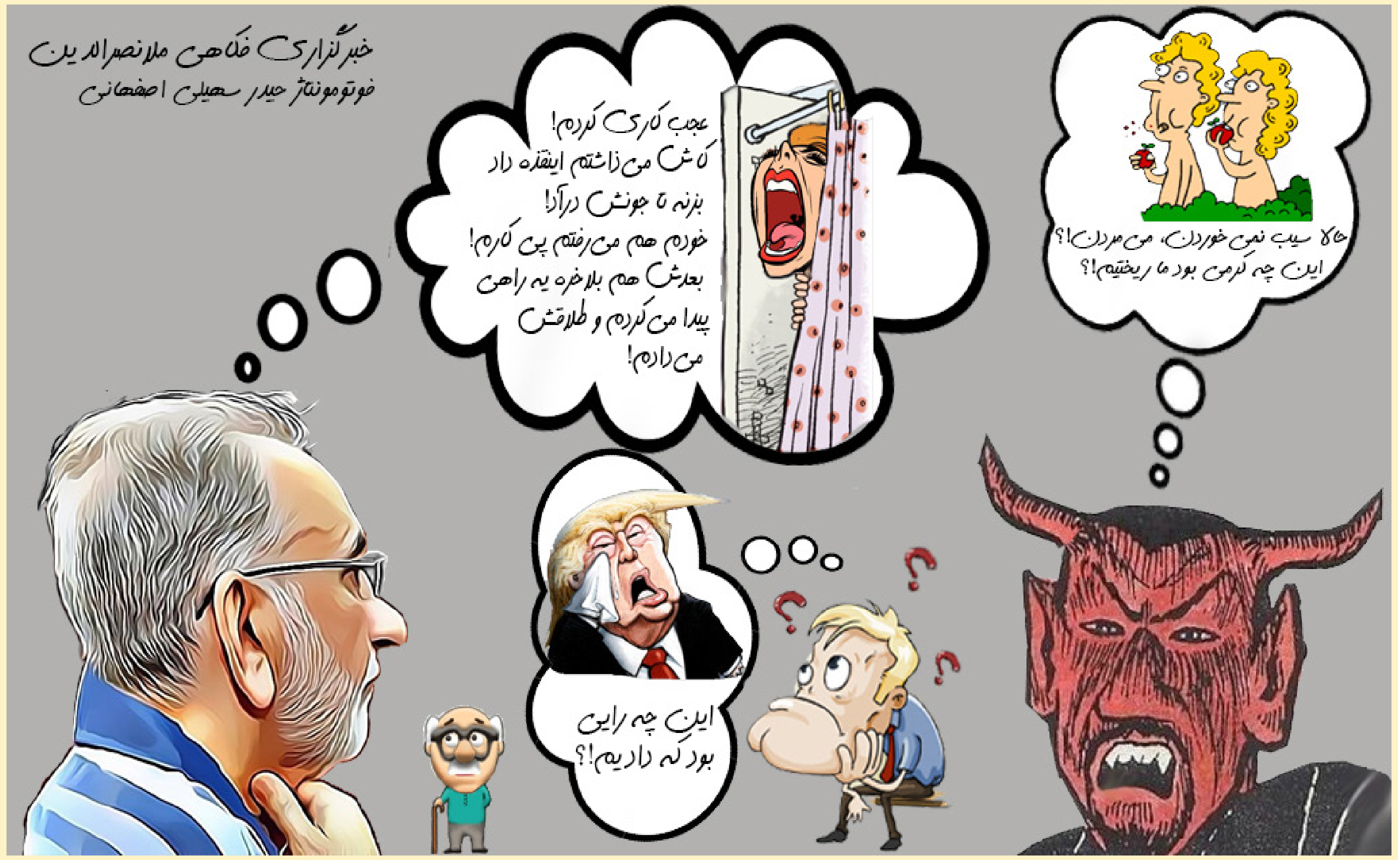
-بله! هر کس با ترامپ بد باشه، بعدها قدیس می‌شه و اگر ایرانی جماعت برای یک بار در عمرش بفهمه که نباید روی پاچهٔ خودش میخ بکوبه و جار و جنجال راه بندازه، کافیه بشینه و از دستآوردهای خودش لذت ببره، بعدا به همین مفتی قدیس می‌شه.

• شما فکر می‌کنین که این اتفاق بیفته!؟

- تو چی فکر می‌کنی!؟

• من فکر می‌کنم که باید خداحافظی کنم. تا ماه دیگر و مصاحبهٔ دیگر، روز و روزگار بر شما و خوانندگان ارجمند خوش و خرم!

کارتون‌های ملانصرالدین



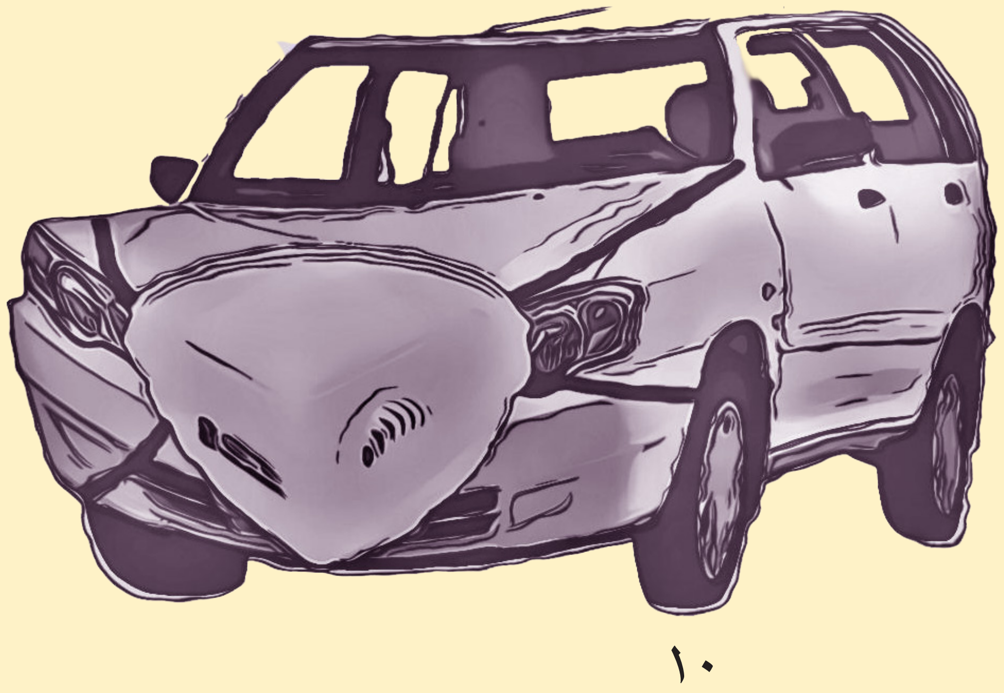






گفتگوی ماه

- شنیدم پراید گرون شده؟
• خب همیشه گرون می‌شه، عجبش در چیه؟
- آخه دوباره ارزون شده...
• نه بابا! جل الخالق! آخه واسه چی ؟
- هیچی دیگه، دولت خواسته هزینه‌اش را بکشه پایین.
• حالا کشیده پایین ؟
- چی رو؟
• خب هزینه را می گم دیگه! چقده فکرت خرابه!
- نمی‌دونم والله! اما هزینه را برای یه عده خیلی برده بالا!
• واسه کیا؟
- همون نور چشمیا که جلو جلو نایب الخرید یه عده می‌شدن.
سه سوته، کل خرید را انجام می‌دادن...
• بازم سلطان ملطان پیدا کردن؟ لابد سلطان پراید؟
- آره دیگه، اما نه دیگه سلطان پراید! کلا سلطان خودرو..!
• ای جانمی... لابد بعدش هم پخ پخ!
- نه هنوز! اما در شرفند...
• حالا بلاخره ارزون شد یا گرون شد؟
- ارزونی و گرونیش را که نمی‌دونم، اما بلاخره رسیدیم سر پرسش اصلی!
• کدوم پرسش ؟
- این که بلاخره، این خودرویی که ما می‌سازیم، تولید ملیه یا تولید چینی به اسم ملیه ! ؟
• خب جوابش چیه؟
- فعلا دارن فکر می‌کنن! تولبند... ایشالله از توش چیزی دربیاد!
• خودت چی فکر می‌کنی؟
- والله تا قبل از تحریم و گرونی و سایر قضایا که من هم خیال می‌کردم خودروی ما ملیه، ماشالله



هزار ماشالله! اما خدا پدر تحریم را بیامرزه که هر چی قیمت‌ها رفت بالا، شلوار خودروی ملی بیشتر اومد پایین... آخرش هم که معلوم شد آقایون کارخونه‌ها را سه قفله کردن و کارگرها را بی‌کار کردن و واردات قطعه از چین می‌کنند...
• شنیدم، کارخونهٔ موتورسازی راه انداختن و خودروی خیلی شیک ۹۲ درصد ملی دارن می‌سازن...



- آره ارواح شیکم عمشون! کارخونهٔ عظیم موتورسازی، پنج ماهه! خودروی ۹۲ درصد ملی یکساله!
• یعنی همین دیگه! دعوای بین قسم حضرت عباس و دم خروسه! ظاهرا سفره‌ای بوده که همه دورش جمع بودن... حالا که سر پل خرگیرون شده، کلیدهای زنگ زده از جیب حضرات بیرون اومده و افتادن به تولید...
- به قول جناب رئیس جمهوری، علی برکت الله! اگه قراره بازی‌های قبلی جمع بشه که خیلی هم خوب...
• بعله! امیدوارم علی برکت الله! ایشالله که باز حضرات راه میانبر دیگه‌ای برای دور زدن ملت پیدا نکنن.



افزایش بهای پراید در بازارهای داخلی- علیرضا پاکدل، خبر اون لاین

کارتون‌های خارجی



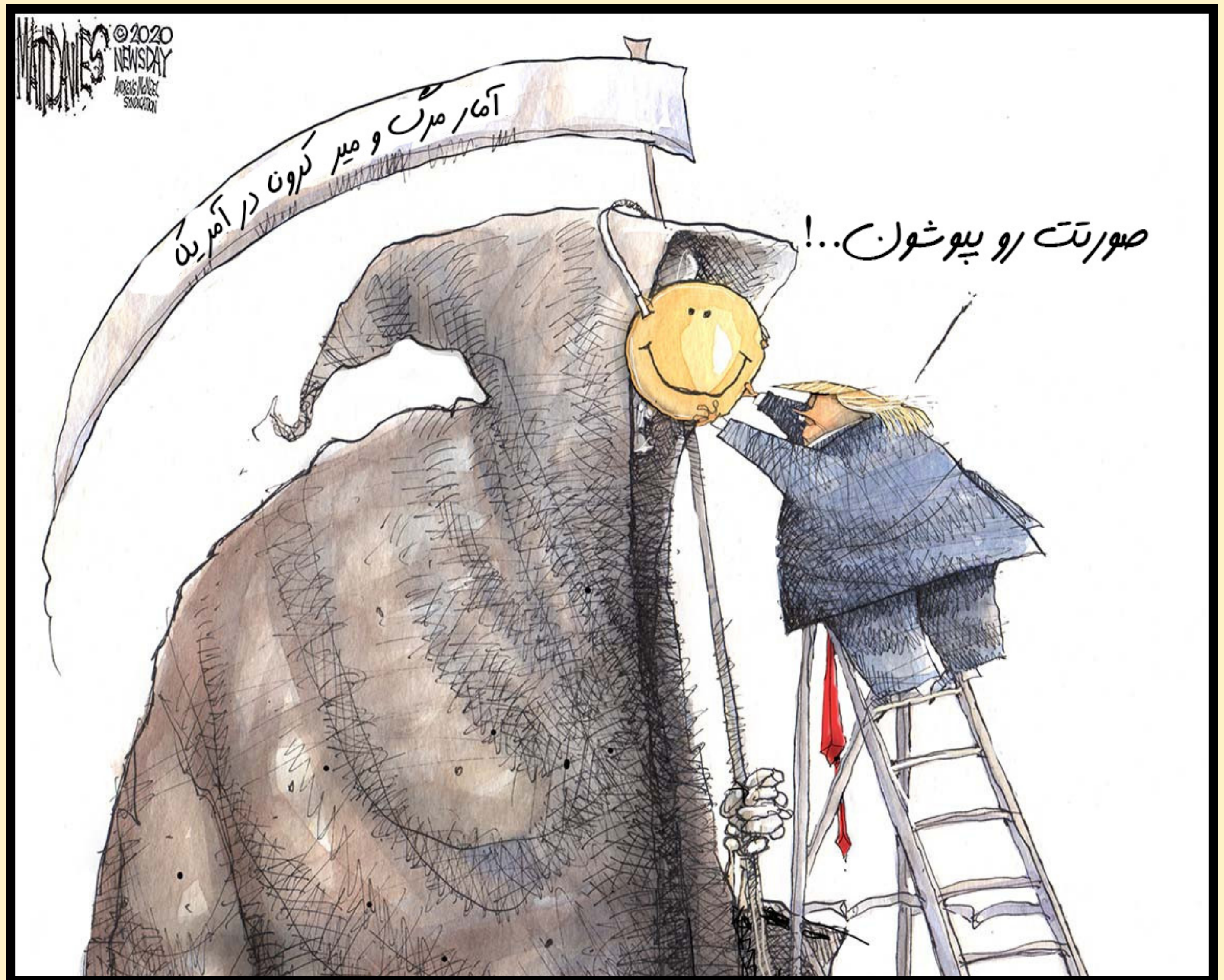
کمبود ماسک در مصر- اثر مخلوف- نشریهٔ مصری الیوم



از مجموعهٔ ایریس کارتون- کانادا

اثر مَت داویس- نشریهٔ نیوزدی أند آندرو مَک میل سندیکیت: دربارهٔ کاهش آمارهای دولتی دربارهٔ مرگ و میر ناشی از کرونا، با اشارهٔ استعاره‌ای به ضرب المثل

Cover the face and *** the base





نامه‌های جنجالی

درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.
در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر بنیامین نتانیاهو بخواهد نامه‌ای برای دادگاه عالی اسرائیل نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

نامهٔ بنیامین نتانیاهو به دیوان عالی اسرائیل

قاضیان «بیت هامیشپات هاعلیون» دادگاه عالی اسرائیل! شنیدم فرستادید دنبالم که خودم باید در جلسهٔ تفهیم اتهاماتم حاضر بشم. خوشم میاد این همه سال که دنبال من هستین، هنوز نفهمیدین که من چه مارمولکی هستم. تا بیاین منو محاکمه کنین، من نخست وزیر جدیدتون هستم و هیجده ماه بعدش هم معاون نخست وزیر!

ببینم نکنه می‌خواین نخست وزیرتون را محاکمه کنین! خ خ خ خ خ..!



منو متهم کردین به فساد!؟ آخ آخ آخ! نه شما همتون پاکدامنین؟ دوست دارین پرونده‌های فسادتون را بدم فلسطینی‌ها منتشر کنن؟ ظاهرش اینه که شما قضات بی‌طرفی بودین که دربارهٔ شهرک‌سازی در کرانهٔ باختری و اورشلیم، حق را به شرکت‌های شهرک‌سازی دادین. اما چقدر حق و حساب از بنای بنرث و کلی بساز بفروش آمریکایی گرفتین؟ فقط یهوه می‌دونه و روح پر فتوح شلومون! خونهٔ فلسطینی‌ها که همه سند عثمانی داشتن، سه سوته از زیر پاشون کشیده شد و با اردنگی بیرون ریخته شدن. حالا شما کی هستین؟ یه مشت قاضی که فقط در چهارچوب قوانین اسرائیل، حکم صادر کردین.

نماینده‌های کنیست، چقدر پول گرفتن تا این قوانین را تصویب کنن؟ آن هم به قیمت گرفتن املاک عرب‌هایی که شناسنامهٔ اسرائیلی دارن؟ نمایندگان حزب دموکراتیک عرب، چقدر خودشون را در کنیست جر دادن تا جلوی این کار را بگیرن و چقدر در برابر دادگاه عالی بیت هامیشپات تحصن کردن؟

به من می‌گین فاسدم؟

عآره! فاسدم! پول گرفتم تا کار همون کسایی را راه بندازم که به شما هم پول دادن. چطوره که پول من نجسه، اما پول‌هایی که شما گرفتین عین اشک چشم مؤمنان هکتول همعراوی (دیوار ندبه)؟

فعلا که من، چهار سالی در رفتم. طبق معمول، می‌رسه به نوبت محاکمه و من یهو می‌شم نخست وزیر و شما دستتون می‌ره تو پوست گردو! خخخخخ شماها که می‌خواین از دست من خلاص بشین، فقط یک راه دارین. بی‌خیال محاکمه می‌شین و بعد مردم اسرائیل هم از شر نخست وزیری به نام نتانیاهو خلاص می‌شن. تا وقتی محاکمه هست، بنده هم نخست‌وزیرم! چه بخواین، چه نخواین؟ همینه که هست!

عآره! طبق معمول باید بیام جلسهٔ تفهیم اتهام... همهٔ اتهامات را هم برام ردیف می‌کنین: از کی پول گرفتم؟ از کی رشوه گرفتم؟ چند میلیون شیکل گرفتم تا فلان پروژه را راه بندازم. همه را هم رد می‌کنم. می‌گم نه خیر آقا من این اتهامات را قبول ندارم. هم شما می‌دونین و هم من و هم خیلی‌های دیگه که من این پول‌ها را گرفتم. عآره که گرفتم؟

پس می‌خواین با این بخور نمیر نخست وزیری، برم بازنشستگی؟ بعد مثل مناحیم

بگین، در حالی که در خانهٔ ساحلی خودم، به دریای مدیترانه خیره بشم و ریق رحمت را سر بدم و بمیرم؟ بعدش هم منو در هار صیون (جبل صهیون) دفن کنین؟ جون من؟ صنار بده آش، به همین خیال باش!؟

بازنشستگی من، در یکی از ویلاهای زیبایم در هاوایی، در کنار آب‌های نیلگون اقیانوس آرام، وسط دختران سیمین تن خواهد بود. پس زنم چی می‌شه؟ چه سئوال سختی؟ زنم می‌مونه ور دل شما در منزل اشرافی من در حومهٔ اورشلیم... بلاخره یکی باید تلفن‌های منو جواب بده؟ تازه، با این وضع خورد و خوراکش، فکر نمی‌کنم عمرش هم زیاد طولانی باشه... از حالا باید فکری هم برای اون خونه بکنم.

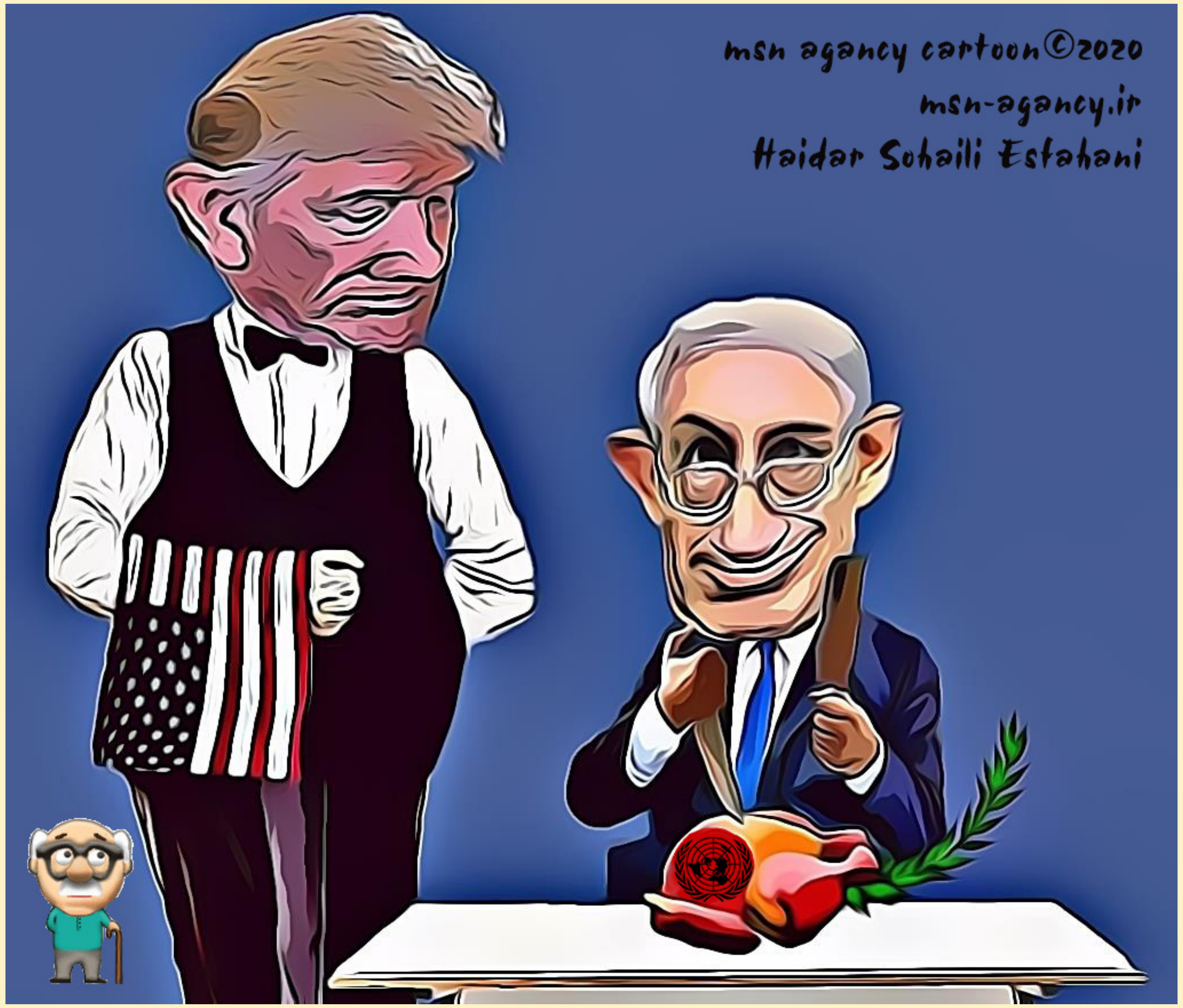
برو بچ بیت هامیشپات، خیلی صاف و ساده بهتون بگم: گور پدر خودتون و کل اسرائیل! بنده باید به فکر امورات خودم باشم. ببینین! پیش از آمدن من، چار تا دشمن زپرتی دکوری داشتین که پخ می‌کردین بچه‌شون می‌افتاد. حالا یه دشمن گردن کلفت دارین مثل ایران... پیش از اومدن من، یه ارتشی داشتین که اقلا دماغش را می‌تونست بالا بکشه. اما حالا ارتشی دارین که از هر طرف داره تهدید می‌شه. می‌خواین منو بذارین کنار و خودتون کارها را راست و ریس کنین؟ بفرما! ها ها ها ها..!

دلتون خوشه!

جوری اوضاع را ریختم به هم که مجبورین افسار این الاغ را بندازین روی پالونش و بذارین من هر جا دلم می‌خواد ببرمش... دشمنی با ایران الان لقمهٔ خوبیه برای آیندهٔ من! دشمنی با ایران، برای شما هزینه داره، اما برای من آینده داره.

فعلا که من رفتم تا دور جدید نخست وزیری را شروع کنم. شما هم هی جلسه بذارین، اما آخرش این منم که به ریش همتون می‌خندم.

امضا: بی بی نتانی



اخبار خارجه

ایلهان عمر می‌گوید: عربستان بزرگترین حامی تروریسم است. اسرائیل اعتراض می‌کند!



نمایندهٔ کنگرهٔ آمریکا، عربستان سعودی را متهم کرد که بزرگترین صادرکنندهٔ تروریسم در جهان است. نخست وزیر اسرائیل اعتراض کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در پی انتشار سخنان ایلهان عمر، دربارهٔ این که عربستان را بزرگترین صادرکنندهٔ تروریسم در جهان نامیده، بنیامین نتانیاهو، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «جایگاه اسرائیل در زمینهٔ پس‌اندازی، پرورش، نره‌خرسازی، کرم‌ریزی، لات‌بازی و سپس، صادرات خدشه ناپذیر است و هیچ کشوری، نمی‌تواند جای ما را بگیرد. او خودش را نمونهٔ بارز این مراحل پیچیدهٔ تروریست‌سازی دانست و تاکید کرد: «خود من، اکنون از مرحلهٔ نره خرسازی هم گذاشته‌ام و جا پای یابو پیره گذاشته‌ام.»

او در پاسخ به سئوال خبرنگار خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در این باره که منظورش از یابو پیره کیست، گفت: « منظور من، شخص شخیص آریل شارون است.»

خبرنگار ما، پس از شنیدن این خبر، ضبط را خاموش کرد و گفت: «برو بمیر بابا! این جا هم دست از چاخان بر نمی‌داری؟ بچه گیر آوردی!؟»

رهبر کرهٔ شمالی، از مردن انصراف داد!



کاخ سفید اعلام کرد: در حالی که کیم جونگ اون، تصمیم خود را برای مردن به اطلاع دونالد ترامپ رسانده بود، در لحظات آخر، از مردن انصراف داد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، انصراف رهبر کرهٔ شمالی از مردن، همهٔ محاسبات رئیس‌جمهوری آمریکا را به هم ریخته است و او تقصیر این معضل بزرگ را به گردن چین انداخته است. سخنگوی کاخ سفید در این باره اعلام کرد: «همانند توافق تاریخی میان رهبران آمریکا و کرهٔ شمالی، مرگ آقای کیم جونگ اون هم هماهنگ شده بود و هر دو طرف دربارهٔ آن توافق کرده بودند، اما طبق معمول، چینی‌ها با دخالت بی‌جای خود، همه چیز را خراب کردند.»

شایان گفتن است که پس از اعلام اولیهٔ مرگ رهبر کره، او در انظار ظاهر شد و پس از مدتی، دوباره، پنهان گشت.

سخنگوی کاخ سفید، ضمن اعتراض شدید به این رویهٔ رهبر کره گفت: «این که با ما توافق کرده و بعد زد زیرش، به جهنم! (آمریکایی‌ها جهنم را نمی‌توانند تلفظ کنند) حالا بچه حال کرده، هر بار هی ظاهر می‌شه، هی غایب می‌شه! ملت هم به ریش ما می‌خندند.»

دولت‌های خلیج، فلسطین را آزاد کردند.

در پی سفر مکرر هواپیماهای سعودی و امارتی و بحرینی به فرودگاه‌های تل‌اویو و قدس، پای خلیجی‌ها به عمق استراتژیک اسرائیل باز شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، از نظر کشورهای عرب خلیج فارس، فلسطین دیگر کشوری اشغالی نیست، چون طبق وعدهٔ این کشورها، آن‌ها قرار بود به عمق استراتژیک اسرائیل پای بگذارند و اکنون، هواپیماهای این کشورها، در عمق استراتژیک اسرائیل، نیرو پیاده می‌کنند.



شیخ شمبول آل عبود، با 135 کیلو دنبهٔ خالص، هنگام پیاده شدن از هواپیمای خطوط هواپیمایی بحرین، روی زمین فرودگاه قل خورد تا سرانجام با کمک یک دستگاه لیفتراک فرودگاه توانستند او را از زمین بردارند. او به خبرنگار ما گفت: قصد داشت زمین فرودگاه را که در اصل بخشی از عمق خاک فلسطین است، ببوسد که به سبب گرد بودن همهٔ ابعادش، این کار ممکن نشد.

او در مصاحبه با خبرنگار ما تاکید کرد که روزی پیروزمندانه برای آزاد کردن این نقطه باز خواهد گشت. اما حالا باید به شهر ساحلی حیفا برود، چون وصف کاباره‌های آن جا را شنیده است. او به خبرنگار ما گفت: «وسط مبارزه، کمی تفریح هم لازم است.»

پروژهٔ اقتصادی بزرگ عراق کلید خورد

به گفته‌های کارشناسان، این پروژه می‌تواند برای صدها هزار نفر کار ایجاد کند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، زیر نظر کارشناسان زبدهٔ سی آی إی و موساد، پروژهٔ جنگ داخلی عراق کلید خورد. در این باره، ایاد علاوی یکی از کارشناسان زبده، به خبرنگار ما گفت: «ما در وهلهٔ اول عدنان الزرفی را برای تصدی مقام نخست وزیری عراق معرفی کردیم که توانایی بسیار زیادی در اجرایی کردن این پروژه داشت. اما متاسفانه مجلس ملی عراق نپذیرفت. راستش من زیاد به کاظمی امیدوار نیستم. چون معلوم نیست بتواند آن طور که شاید و باید آتش جنگ داخلی را روشن کند. توانایی عدنان الزرفی، مثال‌زدنی بود. مثلا در حالی که پروژهٔ جنگ داخلی هنوز در مراحل اولیه و می‌توان گفت، پیشنهادی بود، او هم دو کنسولگری ایران را آتش زد و هم کارخانهٔ کاله کربلا را... اما کاظمی، یکی به نعل می‌کوبد و یکی به میخ و هیچ بعید نیست که آخر کار، اصلا یادش برود برای چه انتخاب شده است.»

شایان گفتن است: اگر پروژهٔ عظیم جنگ داخلی عراق اجرایی شود، نه تنها میلیاردها دلار سرمایهٔ خارجی جذب این کشور خواهد شد، بلکه تعداد زیادی از گردشگران سعودی و خلیجی و اردنی، به خاک عراق خواهند ریخت و در حوزهٔ بمب‌گذاری، جنگ‌های چریکی و کفن و دفن و حوزه‌های مختلف دیگر، اشتغال‌زایی زیادی خواهد شد.



شاش شتر به ایران صادر خواهد شد؟!

به توجه به اظهار علاقهٔ یکی، دو نفر به فواید شاش شتر، دولت عربستان سعودی اعلام کرد برای صادرات شاش شتر مازاد خود به ایران آماده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، چند نفر از علاقمندان شاش شتر در ایران، با کشف فواید چشمگیر این فراوردهٔ تحتانی شتران، در متون اولیه با سند صحیح از ابی‌هریره، نوشیدن این فراورده را به شکل اکید توصیه کردند.

عربستان سعودی هم برای صدور این فرآورده که فقط در این کشور تولید می‌شود، اعلام آمادگی کرد. به دنبال این اعلام آمادگی، عده‌ای از سرمایه‌گذاران ایرانی هم اعلام آمادگی کردند که شرکت‌های تولید نوشابه‌های شاش شتر را با ترکیبات گازدار، بدون گاز، مالت‌دار و در اسانس‌های میوه‌ای گوناگون، به صورت قوطی و شیشه‌های دربسته، در ابعاد کوچک و خانواده احداث و محصولات‌شان را روانهٔ بازارهای داخل و خارج کنند.

گزارش خبرنگار ما حاکی است که این پیشنهاد با مخالفت شدید فقهای آل شیخ رو به رو شده است، چون این اقدامات را منافی شیوه‌های موجود در نصوص اولیه برای مصرف شاش شتر می‌دانند.

نشانی‌های خبرگزاری ما روی اینترنت:



www.mollanasroddin-magazine.ir

http://msn-agancy.ir

http://mollanasroddin-satire-news-agancy.ir





MOLLANASRODDIN SATIRE MAGAZINE

NO.19

